بسمه تعالی

درس خارج فقه استاد حاج شیخ محمدتقی شهیدی

موضوع: احکام نماز آیات

فهرست مطالب:

[ادامه سبب اول و دوم: کسوف و خسوف 1](#_Toc197757234)

[ادامه سبب سوم: زلزله 2](#_Toc197757235)

[ادامه بررسی ادله وجوب نماز آیات هنگام زلزله 2](#_Toc197757236)

[دلیل اول: روایت دیلمی 2](#_Toc197757237)

[دلیل دوم: صحیحه فضلاء 3](#_Toc197757238)

[دلیل سوم: روایت محمد بن مسلم و برید بن معاویه 4](#_Toc197757239)

[دلیل چهارم: روایت فضل بن شاذان 6](#_Toc197757240)

[دلیل پنجم: روایت فقه الرضا 7](#_Toc197757241)

[دلیل ششم: صحیحه زراره و محمد بن مسلم 7](#_Toc197757242)

[دلیل هفتم: روایت مجالس 8](#_Toc197757243)

[سبب چهارم: مخاوف سماوی و ارضى 9](#_Toc197757244)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

الأوّل و الثاني: كسوف الشمس و خسوف القمر و لو بعضهما و إن لم يحصل منهما خوف

الثالث: الزلزلة، و هي أيضاً سبب لها مطلقاً و إن لم يحصل بها خوف على الأقوى.

# ادامه سبب اول و دوم: کسوف و خسوف

یکی از اسباب نماز آیات کسوف شمس و خسوف قمر است ولو موجب خوف نشود.

برخی وجوب نماز آیات در خسوف و کسوف را مربوط به وقتی می دانند که موجب خوف مردم شود و برای این مساله به روایت فضل بن شاذان در علل از امام رضا ع تمسک کرده اند، در این روایت نثل شده: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: إِنَّمَا جُعِلَتْ لِلْكُسُوفِ صَلَاةٌ لِأَنَّهُ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَا يُدْرَى أَ لِرَحْمَةٍ ظَهَرَتْ أَمْ لِعَذَابٍ فَأَحَبَّ النَّبِيُّ ص- أَنْ تَفْزَعَ أُمَّتُهُ إِلَى خَالِقِهَا وَ رَاحِمِهَا عِنْدَ ذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُمْ شَرَّهَا وَ يَقِيَهُمْ مَكْرُوهَهَا كَمَا صَرَفَ عَنْ قَوْمِ يُونُسَ ع- حِينَ تَضَرَّعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَدِيثَ».[[1]](#footnote-2)

در مورد سند روایت علل فضل بن شاذان بحث مفصل بود. ‌آقای خویی بخاطر ابن عبدوس و ابن قتیبه سند کتاب علل فضل بن شاذان را تضعیف کردند.[[2]](#footnote-3) به نظر ما این کتاب سه سند مستقل دارد که دو سند آن را شیخ صدوق در علل الشرایع نقل کرده اند[[3]](#footnote-4) و یک سند را شیخ طوسی در فهرست بیان می کنند[[4]](#footnote-5) و وثوق پیدا می‌‌شود که یکی از این سه سند درست است. آقای سیستانی فرمودند که کتاب، تألیف فضل بن شاذان است و ربطی به امام رضا ع ندارد که این را ما قبلا بحث کردیم و جواب دادیم. ولی مهم این است که روایات علل فضل بن شاذان اصلا فوائد تشریع را بیان می کند حتی مقید نیست که حکمت‌ها را -که باید در مورد جعل حکم غالب باشد- بیان کند و اگر هم حکمت تشریع را بیان کند حکمت، مخصِّص نیست.

# ادامه سبب سوم: زلزله

سبب سوم نماز آیات زلزله بود که مشهور قائل بودند ولی برخی مانند آقای سیستانی[[5]](#footnote-6) و شهید صدر[[6]](#footnote-7) احتیاط واجب می کنند. ‌آقای خویی نیز در بحث استدلالی احتیاط واجب می کنند[[7]](#footnote-8) ولی در مقام فتوا، احتیاط واجب نکرده و فتوا دادند[[8]](#footnote-9) بر خلاف مخوف سماوی، که هم در فتوا و هم در بحث استدلالی فتوا نماز آیات را واجب دانسته اند، لکن ایشان معتقد هستند که زلزله مخوف ارضی است و نه مخوف سماوی.

## ادامه بررسی ادله وجوب نماز آیات هنگام زلزله

مشهور در مورد وجوب نماز آیات در هنگام زلزله به برخی روایات تمسک کرده اند.

### دلیل اول: روایت دیلمی

در روایت سلیمان دیلمی نقل شده: «وَ سَأَلَ سُلَيْمَانُ الدَّيْلَمِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الزَّلْزَلَةِ مَا هِيَ فَقَالَ آيَةٌ فَقَالَ وَ مَا سَبَبُهَا قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَكَّلَ بِعُرُوقِ الْأَرْضِ مَلَكاً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزَلْزِلَ أَرْضاً أَوْحَى إِلَى ذَلِكَ الْمَلَكِ أَنْ حَرِّكْ عِرْقَ كَذَا وَ كَذَا قَالَ فَيُحَرِّكُ ذَلِكَ الْمَلَكُ عِرْقَ تِلْكَ الْأَرْضِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَتَتَحَرَّكُ بِأَهْلِهَا قَالَ قُلْتُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَا أَصْنَعُ قَالَ صَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوفِ».[[9]](#footnote-10)

محقق همدانی[[10]](#footnote-11)، ‌آقای حائری[[11]](#footnote-12) و ‌آقای بروجردی قائل هستند که ضعف سند این خبر به عمل مشهور جبران می‌‌شود.

ما کبرای جبر ضعف سند به عمل مشهور را قبول نداریم و در اینجا اشکال صغروی هم مطرح است که معلوم نیست مشهور به این خبر عمل کرده باشند، زیرا ادله دیگری در این مساله هست که ممکن است مستند مشهور، آن ادله باشد.

### دلیل دوم: صحیحه فضلاء

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ رَهْطٍ وَ هُمُ الْفُضَيْلُ وَ زُرَارَةُ وَ بُرَيْدٌ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ كِلَيْهِمَا وَ مِنْهُمْ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَحَدِهِمَا أَنَّ صَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ الرَّجْفَةِ وَ الزَّلْزَلَةِ عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ النَّاسُ خَلْفَهُ فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ فَفَرَغَ حِينَ فَرَغَ وَ قَدِ انْجَلَى كُسُوفُهَا وَ رَوَوْا أَنَّ الصَّلَاةَ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ كُلِّهَا سَوَاءٌ وَ أَشَدُّهَا وَ أَطْوَلُهَا كُسُوفُ الشَّمْسِ ...»[[12]](#footnote-13)

برخی مانند آقای تبریزی می فرمودند که «أَنَّ الصَّلَاةَ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ كُلِّهَا سَوَاءٌ» اعم است یعنی نماز آیات در هنگام خسوف و کسوف و در هنگام زلزله از نظر وجوب و کیفیت مساوی هستند.[[13]](#footnote-14)

ما هم مانند آقای خویی[[14]](#footnote-15) اشکال کردیم که ممکن است که این روایت به لحاظ کیفیت می خواهد بفرماید که مساوی هستند زیرا در ادامه فرموده: « وَ أَشَدُّهَا وَ أَطْوَلُهَا كُسُوفُ الشَّمْسِ».

آقای خویی در بحث مخوف سماوی که بعدا مطرح می شود به صحیحه عبد الرحمن بر وجوب نماز آیات در هنگام مخوف سماعی استدلال می کنند که شبیه همین روایت است. در این صحیحه نقل شده: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَأَلَ الصَّادِقَ ع عَنِ الرِّيحِ وَ الظُّلْمَةِ تَكُونُ فِي السَّمَاءِ وَ الْكُسُوفِ فَقَالَ الصَّادِقُ ع صَلَاتُهُمَا سَوَاءٌ».[[15]](#footnote-16) ایشان فرموده که این حدیث اطلاق دارد یعنی نماز کسوف و نماز مخاوف سماوی هم از لحاظ وجوب و هم از لحاظ کیفیت مساوی هستند. اما در ما نحن فیه ظاهرا به قرینه ذیل که بیان شد این اطلاق را نپذیرفته اند.

### دلیل سوم: روایت محمد بن مسلم و برید بن معاویه

در من لا یحضره الفقیه نقل شده: «وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالا إِذَا وَقَعَ الْكُسُوفُ أَوْ بَعْضُ هَذِهِ الْآيَاتِ صَلِّهَا مَا لَمْ تَتَخَوَّفْ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ فَإِنْ تَخَوَّفْتَ فَابْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ وَ اقْطَعْ مَا كُنْتَ فِيهِ مِنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَارْجِعْ إِلَى حَيْثُ كُنْتَ قَطَعْتَ وَ احْتَسِبْ بِمَا مَضَى».[[16]](#footnote-17) وقتی در وسط نماز آیات، نماز گزار متوجه شود که نماز واجب یومیه اش در حال فوت شدن است، شروع به خواندن نماز واجب یومیه می کند و از همان محلی که نماز آیات را قطع کرده است، نماز آیات را ادامه می دهد که به این اقحام صلاة فی صلاة گفته می شود.

آقای خویی در مورد سند این روایت اشکال کرده اند که شیخ صدوق به روایات برید بن معاویه در مشیخه سندی ذکر نکرده است. در مورد محمد بن مسلم سند ذکر می کند ولی سند ایشان از دو نتیجه برقی از پدرشان -نوه برقی- از برقی است که دو نتیجه برقی و پدرشان توثیق ندارند.[[17]](#footnote-18)

پاسخ اینکه شیخ صدوق در ابتدای کتابشان فرموده که احادیث را از کتب مشهوره نقل می کند. قطعا دو نتیجه برقی و نوه برقی صاحب کتب مشهوره نبودند بنابراین مشخص می شود که این کتابی که مشهور بوده و شیخ صدوق این روایت را از آن نقل می کند مربوط به غیر از این سه نفر می شود. وقتی ایشان می فرماید که من از این کتاب نقل می کنم، اصالة الحس جاری شده و این افراد طریق تیمنی و تبرکی به آن کتاب مشهور می شوند و در نتیجه ما می توانیم سند این روایت را بپذیریم.

آقای تبریزی به این روایت استدلال کرده اند که در روایت فرموده: «إِذَا وَقَعَ الْكُسُوفُ أَوْ بَعْضُ هَذِهِ الْآيَاتِ» و قطعا یکی از آیات الهی که موجب خوف بوده، زلزله است و زلزله در آیه الهی بودن کمتر از خسوف و کسوف نیست و در ارتکاز مردم، مصداق بعض هذه الآیات است.[[18]](#footnote-19) اینطور هم نیست که گفته شود که در مناطقی که ائمه ع بوده اند زلزله معهود نبوده که موجب انصراف روایات شود بلکه کم بوده است و مانند ایران و ترکیه نبوده است. در کافی از تمیم بن حاتم نقل شده: «كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَاضْطَرَبَتِ الْأَرْضُ»[[19]](#footnote-20) یعنی زمین لرزه اتفاق افتاد. در علل نیز از حضرت صدیقه طاهره س نقل شده که «أَصَابَ النَّاسَ زَلْزَلَةٌ عَلَى عَهْدِ أَبِي بَكْرٍ فَفَزِعَ النَّاسُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ فَوَجَدُوهُمَا قَدْ خَرَجَا فَزِعَيْنِ إِلَى عَلِيٍّ ع فَتَبِعَهُمَا النَّاسُ إِلَى أَنِ انْتَهَوْا إِلَى بَابِ عَلِيٍّ ع فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ عَلِيٌّ ع غَيْرَ مُكْتَرِثٍ لِمَا هُمْ فِيهِ...»[[20]](#footnote-21) همه وحشت زده بودند اما امیرالمومنین هیچ اضطرابی نداشت. در تاریخ بیان شده که در بصره[[21]](#footnote-22) و اهواز[[22]](#footnote-23) در زمان ائمه ع زلزله رخ داده است.

محقق همدانی این روایت را مانند صاحب جواهر[[23]](#footnote-24) صحیحه می دانند و در روایت اشکال دلالی کرده اند که این روایت در مقام بیان این حکم است که هنگام تزاحم فریضه و نماز آیات چه باید کرد و اطلاقی ندارد و مراد از «بعض هذه الآیات» مواردی است که موجب نماز آیات می شود که قدر متیقن مخاوف سماوی است.[[24]](#footnote-25)

در اشکالی که محقق همدانی بیان فرمودند، نیازی نبود که گفته شود که روایت در مقام بیان نیست زیرا «بعض هذه الآیات» قضیه موجبه جزئیه است یعنی بعض هذه الایات التی توجب صلاه الآیات و لفظ قاصر است و اطلاق ندارد، این غیر از این است که بگوییم در مقام بیان نیست. لکن اشکال این است که چرا می گویید قدر متیقن از بعض هذه الایات مخاوف سماویه است؟

کلام آقای تبریزی نیز دچار اشکال است زیرا زلزله از آیات سماویه نیست و از آیات ارضیه است و ممکن است که آیات سماویه موجب نماز آیات شود. امام ع نفرمود: «بعض الآیات» بلکه فرمود «بعض هذه الآیات»، ممکن است که مشارالیه آیات سماویه باشد و ما بین آیات سماویه و آیات ارضیه احتمال فرق می دهیم.

مراد از «بعض هذه الآیات» یا زلزله است یا مخاوف سماویه. اگر در مخاوف سماوی مانند آقای خویی فتوا به وجوب نماز آیات دهیم علم اجمالی منحل می شود اما اگر مانند آقای سیستانی در مورد مخاوف سماوی علی الاحوط الاولی، قائل به نماز آیات شدیم، ولو در اینجا علم اجمالی و لو به نحوموجبه جزئیه شکل می گیرد که غیر از کسوف و خسوف، بعض آیات هستند که موجب نماز آیات می شوند که مردد بین زلزله و مخاوف سماویه است. البته معمولا علم به ابتلای به هر دو واقعه نداریم و عملا علم اجمالی منجز نمی شود زیرا ممکن است که الان زلزله اتفاق افتاده است و بعدا مخاوف سماوی رخ ندهد.

ممکن است اشکال شود که این روایت در مقام بیان وجوب نیست، بلکه در مقام بیان رخصت است که در تزاحم بین صلات آیات و صلات فریضه تا زمانی می توان، نماز آیات را مقدم کرد که خوف فوت صلاه فریضه وجود نداشته باشد « صَلِّهَا مَا لَمْ تَتَخَوَّفْ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ».

پاسخ اینکه «فصلها» ظهور در وجوب دارد، « فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَارْجِعْ إِلَى حَيْثُ كُنْتَ قَطَعْتَ نیز ظهور در وجوب دارد. خلاف ظهور عرفی امر است که گفته شود که روایت در مقام بیان این مطلب است که در تزاحم بین نماز آیات و نماز فریضه تا زمانی که خوف فوت فریضه وجود ندارد، مجاز هستیم که نماز آیات را مقدم کنیم اما اینکه در چه زمانی واجب است و در چه زمانی واجب نیست، بیان نشده و ممکن است که مستحب باشد.

پس عمده اشکال این است که قدر متیقن از «بعض هذه الآیات» روشن نیست که زلزله باشد. کسوف و خسوف آیات سماویه و ‌زلزله آیه ارضیه است. البته خوف عذاب الهی در زلزله هم هست و شاید بیشتر هم باشد زیرا عذاب نازل شده اما در حالت خسوف و کسوف هوا تاریک می شود و‌ این طور نیست که همه فکر کنند که عذاب در حال نازل شدن است اما دلیلی وجود ندارد که چنین چیزی معیار باشد و ممکن است که معیار مخاوف سماویه بودن باشد که شامل زلزله نمی شود.

آقای خویی فرموده که ممکن است مراد از «بعض هذه الآیات» آیات معهوده بین مردم در آن زمان بوده و معلوم نیست که زلزله جزء آیات معهوده در آن زمان بوده باشد.[[25]](#footnote-26) مراد ایشان این نیست که مردم مبتلا به زلزله نمی شده اند زیرا روم شرقی، استانبول در همسایگی عربستان بوده و آنجا منطقه ای زلزله خیز است و برای تجارت به آن منطقه رفت و آمد داشتند. شاید مقصود ایشان این باشد که معهود این بوده که مخاوف سماویه نماز آیات دارد و زلزله جزء مخاوف سماویه نیست.

### دلیل چهارم: روایت فضل بن شاذان

روایت فضل بن شاذان در مورد حکمت نماز آیات در هنگام کسوف شمس بود که در روایت فرمود پیامبر ص امر به نماز آیات کرد «فَأَحَبَّ النَّبِيُّ ص أَنْ تَفْزَعَ أُمَّتُهُ إِلَى خَالِقِهَا وَ رَاحِمِهَا».[[26]](#footnote-27) گفته شده که «العلة تعمم بل الحکمة تعمم».

آقای داماد و آقای زنجانی حکمت را نیز معمم می دانند. اگر مولا بگوید: «میته نخورید زیرا خوردن میته موجب فساد بدن می شود». اینجا قطعا حکمت است زیرا یک قطعه گوشت غیر مذکی موجب فساد بدن نمی شود. ولکن اگر این را به عرف بدهیم، می گوید که هروئین و شیشه هم موجب فساد بدن است و نمی توان گفت که حرام نیست. بنابراین حکمت معمم است و این حرف درستی است که اگر احراز کنیم حکمتی که در اینجا هست، در محل دیگری هم به همین نحو وجود دارد، این معمم است. تفاوتش با علت این است که تعمیم حکم از موارد حکمت به سایر مواردی که نادر است برای مصلحتی بوده است مثلا در مورد اختلاط میاه غالبا حکمت عده در طلاق عدم اختلاط میاه است و نادرا هم که شبهه اختلاط میاه رخ نمی دهد مثلا یک سال زن و شوهری از هم جدا بودند در اینجا نیز به دلیل این مصلحت که مبادا افراد به یقین خودشان اعتماد کنند و بگویند که حامله نیستند، شارع حکم را تعمیم داده است. تعمیم ناشی از مصلحت در این است که شارع در فاقد حکمت هم، به دلیل مصلحتی حکم را تعمیم بدهد.

اما اشکال در اینجا این است که اینها تمام الحکمة نیست به نحوی که در غالب موارد به این شکل باشد بلکه فوائد تشریع در علل فضل بن شاذان بیان شده است و حکمت بیان نشده است.

### دلیل پنجم: روایت فقه الرضا

پنجمین حدیث در فقه الرضا بیان شده است البته اگر حدیث بدانیم «وَ كَذَلِكَ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ فَصَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوف».[[27]](#footnote-28)

سند این روایت هم ضعیف است و اصلا کتاب فقه الرضا، کتاب حدیث نیست و در زمان علامه مجلسی شخصی این کتاب را از هند آورده است و احتمالا کتاب شلمغانی است.

### دلیل ششم: صحیحه زراره و محمد بن مسلم

در صحیحه زراره و محمد بن مسلم نقل شده: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالا قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ ع هَذِهِ الرِّيَاحُ وَ الظُّلَمُ الَّتِي تَكُونُ هَلْ يُصَلَّى لَهَا فَقَالَ كُلُّ أَخَاوِيفِ السَّمَاءِ مِنْ ظُلْمَةٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ فَزَعٍ فَصَلِّ لَهُ صَلَاةَ الْكُسُوفِ حَتَّى يَسْكُنَ».[[28]](#footnote-29) در صحیحه نیز نقل شده: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَأَلَ الصَّادِقَ ع عَنِ الرِّيحِ وَ الظُّلْمَةِ تَكُونُ فِي السَّمَاءِ وَ الْكُسُوفِ فَقَالَ الصَّادِقُ ع صَلَاتُهُمَا سَوَاءٌ».[[29]](#footnote-30)

گفته می شود که عرفا بلا از آسمان نازل می شود با اینکه در زلزله و طوفان محل وقوع بلا زمین است. این موارد منشا خوف بوده و خوف هم یعنی بلا. در ﴿وَ أَنْزَلْنَا الْحَديد﴾[[30]](#footnote-31) به این معناست که حدید از طرف خدا است و الا حدید که از آسمان نیامده است و در اینجا ممکن است که گفته شود که همین معنا مراد است.

و لکن انصافا این مطلب تمام نیست. این درست است که گاهی به زلزله نیز بلای آسمانی می‌‌گویند چون از طرف خداوند است، در مقابل جنایت‌هایی که مردم انجام می دهند مثلا برای گرفتن یک لپتاپ و یک موبایل یک جوان را می‌‌کشند که به آن بلای زمینی می گویند اما در این دو روایت ممکن است که مخاوف سماویه در مقابل مخاوف ارضی باشد. الغای خصوصیت نیز نمی توان کرد زیرا ممکن است که مخاوف سماویه برای نماز آیات، خصوصیت داشته باشد.

### دلیل هفتم: روایت مجالس

در وسائل الشیعة نقل شده: «وَ فِي الْمَجَالِسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ السُّكَّرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: إِنَّ الزَّلَازِلَ وَ الْكُسُوفَيْنِ وَ الرِّيَاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عَلَامَاتِ السَّاعَةِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ السَّاعَةِ وَ افْزَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ».[[31]](#footnote-32)

سند این روایت جدا ضعیف است.

«افْزَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ» اگر مراد این باشد که در مساجد که مکان منسوب به خدا است مشغول دعا بشوید، قطعا واجب نیست. ممکن است که جامع مراد باشد که در مورد کسوف نماز بخوانید و در مورد زلزله دعا بخوانید.

در مقابل این روایات ممکن است گفته شود صحیحه زراره را داریم که در آن نقل شده: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ وَ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عَشَرَةَ أَوْجُهٍ صَلَاةَ الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ وَ صَلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ وَ صَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ صَلَاةَ الْعِيدَيْنِ وَ صَلَاةَ الِاسْتِسْقَاءِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ»[[32]](#footnote-33) در این صحیحه نماز زلزله بیان نشده است. پاسخ اینکه اولا اگر ثابت بشود نماز زلزله واجب است یا این روایت را تخصیص می‌‌زنیم یا گفته می شود که مراد از صلاه کسوف عنوان مشیر به نماز آیات است که سبب وجوبش ممکن است کسوف شمس و قمر باشد و ممکن است زلزله باشد و لذا اگر سند آن روایات تمام باشد این روایت با آن‌ها معارضه نمی‌کرد.

# اجماع در مقام:

ما هیچ دلیلی بر لزوم نماز آیات در هنگام زلزله پیدا نکردیم ولی آن‌هایی هم که دأب‌شان این است که در اجماع اشکال می کنند مثل صاحب مدارک[[33]](#footnote-34) و صاحب مستند[[34]](#footnote-35) این جا اشکال نکردند.

# سبب چهارم: مخاوف سماوی و ارضى

الرابع: كلّ‌ مخوّف سماوي أو أرضى كالريح الأسود أو الأحمر أو الأصفر و الظلمة الشديدة و الصاعقة و الصيحة و الهدّة و النار التي تظهر في السماء و الخسف و غير ذلك من الآيات المخوّفة عند غالب الناس.

سبب چهارم نماز آیات مخاوف است. مانند ‌ظلمت شدیده که بدون باد است، ریح اسود که ظلمت همراه با باد است، صدای مهیب آسمانی، هدّه که صدای بلندی است که از خراب شدن دیوار و مانند آن به وجود می‌‌آید مثلا اگر ناگهانی دیوار صوتی را شدید بشکنند. این موارد را صاحب عروه موجب نماز آیات می داند.

در جلسه آینده دلیل مخاوف سماوی و سپس مخاوف ارضی را بررسی می کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

1. [وسائل الشیعة 7: 483](https://lib.eshia.ir/11025/7/483). [↑](#footnote-ref-2)
2. [موسوعة الامام الخوئي 16: 10](https://lib.eshia.ir/71334/16/10) [↑](#footnote-ref-3)
3. علل الشرایع 1: 251 [↑](#footnote-ref-4)
4. فهرست 124 [↑](#footnote-ref-5)
5. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 24 [↑](#footnote-ref-6)
6. موسوعة الشهید الصدر 13: 289 [↑](#footnote-ref-7)
7. [موسوعة الامام الخوئي 16: 11](https://lib.eshia.ir/71334/16/11) [↑](#footnote-ref-8)
8. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 24 [↑](#footnote-ref-9)
9. من لا یحضره الفقیه 1: 543 [↑](#footnote-ref-10)
10. [مصباح الفقیه ط.ق 2: 478](https://lib.eshia.ir/10192/2/478) [↑](#footnote-ref-11)
11. کتاب الصلاة (آشتیانی) 2: 239 [↑](#footnote-ref-12)
12. [وسائل الشیعة 7: 492](https://lib.eshia.ir/11025/7/492) [↑](#footnote-ref-13)
13. تنقیح مبانی العروة 4: 307 [↑](#footnote-ref-14)
14. [موسوعة الامام الخوئی 16: 11](https://lib.eshia.ir/71334/16/11) [↑](#footnote-ref-15)
15. [وسائل الشیعة 7: 486](https://lib.eshia.ir/11025/7/486) [↑](#footnote-ref-16)
16. من لا یحضره الفقیه 1: 584 [↑](#footnote-ref-17)
17. [موسوعة الامام الخوئی 16: 10](https://lib.eshia.ir/71334/16/10) [↑](#footnote-ref-18)
18. تنقیح مبانی العروة 4: 308 [↑](#footnote-ref-19)
19. الکافی 8: 256 [↑](#footnote-ref-20)
20. علل الشرایع 2: 556 [↑](#footnote-ref-21)
21. علل الشرایع 2: 555 [↑](#footnote-ref-22)
22. تهذیب الاحکام 3: 294 [↑](#footnote-ref-23)
23. جواهر الکلام 11: 406. [↑](#footnote-ref-24)
24. [مصباح الفقیه ط.ق 2: 478](https://lib.eshia.ir/10192/2/478) [↑](#footnote-ref-25)
25. [موسوعة الامام الخویی 16: 10](https://lib.eshia.ir/71334/16/10) [↑](#footnote-ref-26)
26. [وسائل الشیعة 7: 483](https://lib.eshia.ir/11025/7/483). [↑](#footnote-ref-27)
27. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام 135 [↑](#footnote-ref-28)
28. [وسائل الشیعة 7: 486](https://lib.eshia.ir/11025/7/486) [↑](#footnote-ref-29)
29. [وسائل الشیعة 7: 486](https://lib.eshia.ir/11025/7/486) [↑](#footnote-ref-30)
30. الحديد : 25 [↑](#footnote-ref-31)
31. [وسائل الشیعة 7: 487](https://lib.eshia.ir/11025/7/487) [↑](#footnote-ref-32)
32. الکافی 3: 272 [↑](#footnote-ref-33)
33. مدارک الاحکام 4: 125 [↑](#footnote-ref-34)
34. مستند الشیعة 6: 224. [↑](#footnote-ref-35)